

زیجر

دوفصلنامه علمی ترویجی فلسفه اسلامی
سال پنجم / شماره دوم / پیاپی ۹ / پاییز - زمستان ۱۳۹۸

نقش و جایگاه روح بخاری در ارتباط نفس و بدن در علم النفس فلسفی

(دیدگاه‌های: ابن سینا، شیخ اشراق، صدر المتألهین)^۱

محمد قمی اویلی^۲

چکیده

حکمای اسلامی روح بخاری را به صورت اصل موضوعه به عنوان یک مصداق در مسائل علم النفس فلسفه، برای اثبات نظریه فلسفی خود که نقش واسطه‌گری و برزخ میان، نفس مجرد و بدن مادی است، را پذیرفتند. روح بخاری رقیق‌ترین و لطیف‌ترین جسم سیال در بدن است، که از اخلاط لطیفه موجود در بدن تولید شده است. مقصود حکمای اسلامی از جسمی که مستعد حدوث نفس، و بی واسطه محل تصرفات نفس می‌باشد، روح بخاری است. از آنجا که وجود روح بخاری به عنوان اصل موضوعه و تعیین مصداق در اثبات نظریه فلسفی حکماء پذیرفته شده است؛ حذف یا ابطال روح بخاری نمی‌تواند خللی در اصل نظریه فلسفی و کیفیت ترکیب نفس و بدن وارد کند.

کلیدواژگان

روح بخاری، رابطه نفس و بدن، روحانی الحدوث، روحانی البقاء، مجرد، مادی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰

۲. کارشناسی ارشد فلسفه دانشگاه خوارزمی (mohammadghomi20@gmail.com).

مقدمه

ارتباط بین نفس و بدن همواره مورد تایید و تصدیق حکمای اسلامی بوده است. یکی از مسائل مهم و مورد بحث علم النفس فلسفی، در نحوه ترکیب و کیفیت تعلق گرفتن نفس به بدن مادی است. به دلیل اینکه نفس و بدن دارای دو ماهیت از دو سنخ متفاوت از هم هستند که برقراری ارتباط بین دو موجود مجرد و مادی بدون وساطت موجود دیگر، که برزخ بین این دو باشد، معقول و ممکن نیست. به عبارت دیگر چگونه ممکن است؛ از ترکیب و اتحاد دو ماهیت مجرد و مادی، نوع طبیعی واحدی پدید آید؟ حکمای اسلامی برای تبیین کیفیت ارتباط نفس با بدن وساطت موجودی که برزخ و حد فاصل بین مجرد و مادی باشد، را به عنوان یک اصل کلی در علم النفس فلسفه پذیرفتن. حکمای اسلامی با اعتماد به طبیعیات، از وساطت موجودی به نام روح بخاری که به عنوان اصل موضوعه از طب قدیم اخذ شده است، نام برده اند. ضرورت و اهمیت، طرح فلسفی وجود روح بخاری و مسائل مربوط به آن در علم النفس فلسفی، در جهت تبیین و چگونگی کیفیت ارتباط بین مجرد و مادی به عنوان یک موجودی که برزخ و رابط بین موجود مجرد و مادی باشد مورد احتیاج فلسفه واقع شده است؛ بنا براین وجود روح بخاری به عنوان یک اصل موضوعه مسلم از طب قدیم اخذ شده است؛ که مورد پذیرش و اعتماد حکمای اسلامی قرار گرفته است. در حال حاضر با پیشرفت علوم خصوصاً در عرصه علم پزشکی جدید، سوال این است که آیا در صورت ابطال و یا حذف روح بخاری آیا خللی در علم النفس فلسفی حکمای اسلامی در کیفیت ارتباط نفس با بدن وارد خواهد شد؟

در این مقاله به چیستی و تبیین ماهیت روح بخاری و نقش و کارکرد آن در علم النفس فلسفی از دیدگاه سه حکیم اسلامی (ابن سینا، شیخ اشراق، صدرالمتألهین) پرداخته خواهد شد. هدف در این نوشتار، تحقیق و بررسی این مسله می باشد؛ که آیا در صورت امکان حذف و یا ابطال وجود روح بخاری از مباحث علم النفس فلسفی بر مبنای نظریه فلسفی حکماء خلل و نقصی وارد می شود؟ یا خیر.

رابطه نفس و بدن

از مسائل جدی و مورد بحث در علم النفس فلسفی، مسئله رابطه نفس و بدن است. این مسئله به نحوه ارتباط امر مجرد و مادی بر می گردد.

مشائیان و اشراقیان، نفس را حدوداً و بقاءً امری مجرد دانستند که متباین و مستقل از بدن است، با توجه به اینکه نفس و بدن از دو سنخ متفاوت از هم هستند؛ معقول نیست بین

دو جوهر متباین از هم که یکی مجرد و دیگری مادی است اتحاد حقیقی ایجاد شود. بنابراین برای مواجهه نشدن با معضل فلسفی حلول و انطباع، در تعلق و ارتباط نفس با بدن رابطه تدبیری و استکمالی نفس را پذیرفتند و نفس را مدبّر بدن دانسته‌اند که نفس برای رسیدن به کمالات خود به تدبیر و تصرف بدن به واسطه روح بخاری روی آورده است.

از سوی دیگر صدرالمتالهین بر اساس حرکت جوهری، نفس و بدن را یک حقیقت واحد و ذومراتب دانسته که دارای ترکیب اتحادی هستند. و بدن را مرتبه نازله نفس دانسته است. نفس بواسطه قوای نفسانی و بدن مثالی با روح بخاری ارتباط برقرار می‌کند و به تبع آن بر بدن مسلط می‌شود، و آن را اداره می‌کند. بنابراین صدرالمتالهین نیز به واسطه قوای نفسانی و روح بخاری ارتباط بین مجرد و مادی را تبیین می‌کند.

تعریف روح بخاری

معادل واژه «روح» در فارسی «روان»، و معادل اصطلاح «نفس» در فارسی «جان» است. تفاوت روح و نفس به جهت متعلق آن دو است. هرگاه حقیقت وجود انسان تعلق استکمالی و تدبیری به بدن داشت، به این اعتبار اسم نفس بر آن اطلاق می‌شود، و اگر حقیقت انسان قطع تعلق از بدن کرده باشد و هیچ گونه تعلقی به بدن نداشته باشد، به این اعتبار از آن به روح تعبیر می‌شود.^۱ لفظ «روح» به اشتراک لفظی دارای معانی متعددی است که خلط آنها فهم عبارات مربوط به «روح» را در علوم می‌مانند طبیعیات، فلسفه، عرفان و طب قدیم با مشکل مواجهه کرده است؛ چرا که معنای اصطلاحی روح در طب، غیر از آن معنایی است که در کتب عقلی کاربرد دارد. به عبارت دیگر واژه روح در کتاب‌های عرفانی، فلسفی، طبیعیات و طب قدیم دارای اطلاقاتی است که در هر علم باید معانی مصطلح آن علم را در نظر گرفت.

برخی از اصطلاح‌های واژه روح در کتاب‌های عقلی و عرفانی از این قرار است: روح بخاری، روح الهی، روح حیوانی، روح نباتی، روح نفسانی و روح طبیعی. به سبب کثرت این اطلاقات، تعریف هر یک از این اصطلاحات در علم خاص مورد بحث، برای فهم دقیق و جلوگیری از اشتباه و خلط آنها با یکدیگر ضرورت دارد.

اصطلاح روح بخاری که حکما در علم النفس فلسفی از آن استفاده می‌کنند، از علم طب قدیم أخذ شده است. روح بخاری، بخاری است درون خون که پس از تعدیل و تلطیف اخلاط اربعه تکون می‌یابد. از روح بخاری به دلیل آنکه در نهایت لطافت و شفّافیت است به

۱. کرجی، (به جای سال نشر، نام کتاب ذکر شود) ۱۳۸۱، ص ۱۳۹.

روح تعبیر شده است، و از آن رو که از امتزاج اخلاط اربعه متولد شده است به جسم سیال و حار تعبیر می‌کنند که دارای مزاج خاصی است. علامه حسن‌زاده آملی درباره ماهیت روح بخاری می‌نویسد:

روح بخاری لطیف‌ترین اجسام است؛ به گونه‌ای که کأن برزخ بین مجرد و مادی است، و آن از امتزاج لطافت ارکان اربعه دم و صفرا و بلغم و سوداست. این روح بخاری مطیه اولی نفس است؛ زیرا نفس اگرچه جسمانی الحدوث است، ولیکن در عین حال تعلق مجرد با جسم کثیف، بی‌واسطه جسم لطیف، معقول و ممکن نیست و هرچه اعتدال روح بخاری بیشتر و بهتر باشد، آثار نفس قوی‌تر و نورانی‌تر است.^۱

نحوه تولید روح بخاری از منظر اطبای قدیم بدین شرح است که عناصری که از قوه غاذیه جذب بدن می‌شود، وقتی به درجه بالایی از زبدگی و خلوص برسند، مقداری از آنها به خون تبدیل می‌شود. بدین صورت که عناصر اربعه پس از جذب به وسیله قوه غاذیه با هم مخلوط می‌شوند و سپس در معده پخته و گرم می‌شوند و به خون تبدیل می‌شوند. در مرحله بعد وقتی خون به مرحله خلوص و پختگی شدید رسید، روح بخاری از آن صافی شده، اخلاط اربعه به وجود می‌آید.^۲ بنابراین روح بخاری به لحاظ ماهیت، جسمی عنصری و مادی است که از عصاره اخلاط اربعه در بدن تکون یافته که به دلیل لطافت و شفافیته از آن به روح تعبیر شده است.

مراتب و انواع روح بخاری

در هر یک از اعضای رئیسه بدن یعنی، کبد، قلب و دماغ، یک روح بخاری با مزاج خاصی وجود دارد. بر همین اساس روح بخاری را به سه نوع تقسیم کرده‌اند که از این قرارند:

۱. روح طبیعی: منبع روح طبیعی کبد است که در وریدها یا سیاهرگ‌ها جریان دارد. به عقیده حکما نقش روح طبیعی تأمین کردن قوا و افعال نباتی، مانند تغذیه و رشد و نمو است؛
۲. روح حیوانی: منبع و محل رویش روح حیوانی، قلب است. این روح توسط شریان‌ها یا سرخرگ‌ها در بدن پراکنده می‌شود. روح حیوانی تأمین‌کننده قوا و افعال حیوانی مانند حس و حرکت ارادی، و افعال حیاتی مانند نبض و تنفس است؛
۳. روح نفسانی: منبع و محل رویش این روح، دماغ است که توسط اعصاب در سراسر بدن جریان دارد. روح نفسانی افعال فکر کردن، یادآوری و رؤیت را به کمک دماغ انجام

۱. حسن‌زاده آملی، هزار و یک کلمه، ج ۳، کلمه ۳۲۱.

۲. انصاری شیرازی، دروس شرح منظومه، ج ۴، ص ۲۵۶.



نقش و جایگاه روح بخاری در ارتباط نفس و بدن در علم النفس فلسفی

می دهد. حکما روح نفسانی را مخصوص انسان دانسته اند که توسط دماغ در اعصاب پراکنده است.^۱

ویژگی های روح بخاری و تمایز آن با نفس

۱. روح بخاری علت قریب برای حیات بدن است و نفس علت بعید است. توضیح آنکه با خروج روح بخاری از بدن، برای بدن موت حاصل می شود و نفس تعلق تدبیری خود به بدن را رها می کند؛
۲. در مورد ارتباط بدن و روح بخاری باید گفت که بدن روح بخاری را احاطه کرده است؛ اما در مورد نفس باید عنوان کرد که بدن مرتبه نازل نفس است؛ زیرا نفس مجرد است و امر مجرد در مادی حلول نمی کند؛
۴. روح بخاری اگر از بدن جدا شود باطل و فاسد می شود؛ اما نفس به دلیل تجردش بعد از مفارقت و قطع تعلق از بدن از بین نمی رود و باقی و زنده است؛
۵. ویژگی ذاتی روح بخاری جسمانیت و مادی بودن آن است؛ ولی به دلیل لطیف بودن و شفافیتش از آن به روح تعبیر شده است؛
۶. هرچه روح بخاری به لحاظ مزاجی معتدل تر باشد، آثار و افعال نفس ناطقه انسانی بیشتر و بهتر خواهد بود؛^۲
۷. روح بخاری جنبه صدوری ندارد و اگر صدور افعال را به روح بخاری نسبت می دهیم، صرفاً به سبب وساطت آن میان نفس و بدن است.

تعریف و کارکرد روح بخاری از نگاه ابن سینا

ابن سینا در تعریف روح بخاری بیان داشته که روح بخاری جسمی لطیف و ساری است که در تمام اعضای رئیسه و غیر رئیسه بدن نفوذ کرده است. این روح بخاری از چکیده اخلاط اربعه موجود در بدن تشکیل شده است.^۳ به نظر ابن سینا از ترکیب اخلاط موجود در بدن یعنی سودا، صفرا، بلغم و خون، بخار لطیف و شفافی متصاعد می شود که از آن به روح بخاری تعبیر کرده است. ابن سینا در رساله *ادویه / التلخیص* به طور مبسوط به نحوه تکون روح بخاری پرداخته است. وی در این رساله عنوان کرده که خداوند قسمت خالی چپ قلب انسان را محل تکون و تولد روح بخاری قرار داده است و سپس روح بخاری به واسطه قلب

۱. حسن زاده آملی، *شرح العیون فی شرح العیون*، ص ۳۲۵.

۲. حسن زاده آملی، نام کتاب ۱۳۸۷، ۳۲۵.

۳. ابن سینا، نام کتاب ۱۴۰۴، شماره یک ج ۲، ص ۲۳۳

در تمام اعضای بدن سریان می‌یابد. او معتقد است که چون نفس واحد است، نخست باید به یک عضو از اعضای بدن تعلق بگیرد؛ لذا از نظر ابن سینا نفس ابتدا به روح بخاری که لطیف‌ترین جسم عنصری است تعلق می‌گیرد و سپس به واسطه این روح بخاری به دیگر اعضا و جوارح بدن تعلق می‌یابد.^۱

طبق نظر حکمت مشاء، نفس روحانی الحدوث است همان طور که روحانی البقاء نیز هست. مقصود فلاسفه مشاء از دو اصطلاح روحانی الحدوث و روحانی البقاء، تجرد عقلی است؛ به عبارتی نفس همان طور که در بقا موجود مجرد عقلی است، هنگام حدوث نیز از تجرد عقلی برخوردار است. به نظر ابن سینا در میان انواع نفوس، فقط نفس انسانی، دارای تجرد عقلی است؛ از همین رو ترکیب نفس با بدن در میان انواع حیوانات و گیاهان، ابن سینا را در نحوه ارتباط و تعلق نفس با بدن با مشکل مواجه نمی‌سازد.^۲ برعکس حیوانات و نباتات، ترکیب نفس و بدن در نوع انسان این سؤال را مطرح می‌کند که ترکیب و اتحاد بین مجرد و مادی به چه نحوی تبیین می‌گردد.

ابن سینا در نحوه ترکیب نفس انسانی با بدن، وساطت روح بخاری را پذیرفته، ولی بدن حقیقی و بی‌واسطه انسان را روح بخاری دانسته است. با توجه به مبانی حکمت مشاء که نفس را روحانی الحدوث دانسته‌اند، مسئله ارتباط بین نفس و بدن و چگونگی تعلق و تدبیر بدن از سوی نفس انسانی از مسائل مهم و مورد توجه در حکمت مشاء است. از آنجا که نفس انسانی و بدن دو ماهیت از دو سنخ متفاوت‌اند، لذا ارتباط آنها بدون وجود واسطه، معقول و ممکن نیست. بنابراین ابن سینا در نحوه ارتباط و تعلق نفس انسانی و بدن، وساطت روح بخاری را پذیرفته است.

ابن سینا معتقد است «قلب» نخستین عضوی است که نفس به آن تعلق می‌گیرد و سپس به واسطه آن به سراسر بدن تعلق تدبیری دارد. قلب محل رویش روح بخاری است. ابن سینا همچنین معتقد است که روح بخاری جسمی است گرم که در هر یک از اعضای بدن دارای مزاج مخصوصی است که مستعد تعلق نفس است و بر حسب اقتضائات هر عضوی قابل تغییر است؛ برای مثال او بیان کرده مزاجی که صلاحیت دریافت روح بخاری قوه لامسه را دارد، با مزاجی که صلاحیت دریافت روح بخاری دیگر قوا را دارد، متفاوت است.^۳ ابن سینا با توجه به مبنا و آرای فلسفی حکمت مشاء درباره نفس که به روحانیة الحدوث بودن نفس

۱. ابن سینا، نام کتاب ۱۴۰۴، شماره دو ج ۲، ص ۲۲۱.

۲. عبودیت، درآمدی به نظام حکمت صدرایی، ۴۱۶.

۳. ابن سینا، نام کتاب ۱۴۰۴، شماره دو ج ۲، ص ۲۳۳.

معتقد بودند، برای چگونگی ارتباط و تعلق نفس انسانی با بدن، ناچار وجود یک واسطه میان نفس انسانی و بدن را پذیرفته است؛ ولی او بدن را مستعد تعلق بی واسطه نفس نمی داند؛ بلکه بدن مستعد ارتباط با روح بخاری و بستر آن است و این روح بخاری است که استعداد ارتباط با نفس ناطقه انسانی را دارد؛ زیرا میان دو امری که از لحاظ ماهیت با هم متفاوت اند (نفس و بدن)، هیچ گونه سنخیتی وجود ندارد و طبعاً برای اینکه بتوان رابطه نفس انسانی و بدن را توجیه فلسفی کرد، به ناچار باید امری که در مرتبه جسمانیت است (روح بخاری) وجود داشته باشد تا بتواند با امر مجرد (نفس) ارتباط برقرار کند.^۱ بنابراین با توجه به ماهیت نفس و بدن، از نگاه ابن سینا، نقش روح بخاری به عنوان واسطه در برقراری ارتباط و تعلق نفس انسانی و قوای نفسانی با بدن مادی تبیین می شود.

ابن سینا وجود روح بخاری را به عنوان مصداق و اصل موضوعه از طبیعیات پذیرفته است تا نقش وساطت بین نفس انسانی و بدن را به آن بسپارد. بنابراین ابطال یا حذف روح بخاری به عنوان واسطه که از طب قدیم اخذ شده است، خللی در اصل این نظریه فلسفی که ضرورت وجود واسطه بین مجرد و مادی را اثبات کرده است، وارد نمی کند.

تعریف و کارکرد روح بخاری از نگاه شیخ اشراق

با توجه به بررسی آثار شیخ اشراق و پیروان مکتب او باید گفت که شیخ اشراق در تعریف و ماهیت روح بخاری مطلب جدیدی را ارائه نکرده؛ بلکه هر آنچه را ابن سینا درباره روح بخاری در علم النفس فلسفی مطرح کرده بود، تأیید کرده و پذیرفته است. شیخ اشراق از نفس ناطقه در برخی از آثار خود به «نور اسفهبدی» تعبیر کرده است که برای تصرف و تدبیر بدن به واسطه‌ای به نام روح حیوانی نیازمند است. شیخ اشراق نیز معتقد است که منبع و محل تولید روح حیوانی، تجویف چپ قلب است که همه قوای نفسانی را در خود تعبیه شده دارد، و آن را لطیف‌ترین اجسام می داند که در بالاترین مرتبه جسمانیت قرار دارد. وی معتقد است که یک شاخه از این روح به طرف دماغ می رود که باعث ایجاد حس و حرکت می شود که از آن به روح نفسانی تعبیر کرده است، و شاخه دیگری از روح حیوانی به طرف جگر می رود که سبب ایجاد قوای نباتی، مانند غاذیه، نامیه می شود که از آن به روح طبیعی تعبیر کرده است.

از نظر شیخ اشراق روح بخاری به سبب شفافیت و لطافتش در مقایسه با دیگر موجودات عنصری و جسمانی تناسب به مراتب بیشتری با نور دارد و لطافت این روح حیوانی صرفاً به

۱. ابن سینا، نام کتاب ۱۴۰۴، شماره دو ج ۲، ص ۲۵۶.

دلیل اعتدال آن و دوری اش از تضاد است.^۱ از منظر شیخ اشراق «نور اسفهبدی» به واسطه روح بخاری، بدن عنصری را تدبیر می‌کند^۲ و هرگاه روح بخاری از بدن مفارقت کند، نفس ناطقه یا نور اسفهبدی هم نمی‌تواند در بدن تصرف کند و در نتیجه بدن فاسد می‌گردد. تنها مسئله جدی و پراهمیت در آثار شیخ اشراق درباره روح بخاری که قابل تأمل است، نقش و تأثیر روح بخاری در پیدایش صور مثالی برای انسان است. شیخ اشراق معتقد است روح بخاری در مرتبه بالای اعتدال قرار دارد؛ مرتبه‌ای که موجودات مثالی در آن ظهور پیدا می‌کنند.^۳ شیخ اشراق اگرچه در تعریف روح بخاری و بیان ماهیت آن همان مباحث ابن سینا را با عباراتی دیگر تکرار کرده است، عباراتی از او و شهرزوری، شارح حکمت الاشراق، در دست است که روح بخاری را محل ظهور موجودات مثالی معرفی می‌کند. این عبارات در واقع، بستر و مقدمه و زمینه اثبات خیال متصل و مجرد مثالی قوه خیال است که بعدها صدرالمتألهین در حکمت متعالیه آن را شکوفا کرده و مجرد قوه خیال را به اثبات رسانده است.

در فلسفه شیخ اشراق نیز روح بخاری به عنوان واسطه بین نور اسفهبدی و بدن عنصری معرفی می‌شود؛ یعنی نور اسفهبدی به واسطه روح بخاری، بدن مادی را تحت تدبیر خود اداره می‌کند. پس شیخ اشراق نیز وجود روح بخاری را که واسطه بین نور و بدن مادی است، به عنوان اصل موضوعه از علم طب اخذ کرده و به عنوان مصداقی برای نظریه فلسفی ضرورت وجود واسطه بین مجرد و مادی پذیرفته است. بنابراین ابطال یا حذف این مورد خاص و جایگزینی مصداقی دیگر در اصل نظریه فلسفی شیخ اشراق خللی ایجاد نخواهد کرد.

تعریف و ماهیت روح بخاری از نگاه صدرالمتألهین

صدرالمتألهین نیز روح بخاری را جسمی لطیف و گرم دانسته که از خلاصه اخلاط اربعه در بدن تکون یافته است. وی منبع رویش روح بخاری را قلب دانسته و از آن به روح حیوانی نیز تعبیر کرده است. صدرالمتألهین روح بخاری را حامل تمام قوای نفسانی دانسته است که به واسطه عروق و رگ‌ها در تمام بدن جریان دارد.^۴ جایگاه و اهمیت روح بخاری به دلیل نقش وساطت آن میان نفس و بدن است. صدرالمتألهین معتقد است که روح

۱. سهروردی، مجموعه مصنفات، ج ۳، ص ۲۳۲.

۲. همو، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۲، ص ۲۰۶.

۳. همان، ص ۱۳۳.

۴. ملاصدرا، الحکمة المتعالیه، ج ۸، ص ۲۷۲ و ج ۹، ص ۲۵۱.

بخاری به لحاظ زلالی و لطافت، جسمی از قبیل اجرام فلکی است. وی از روح بخاری به «خليفة نفس در بدن طبیعی» تعبیر کرده و معتقد است افعال نفس به واسطه این روح در بدن ظاهر می‌شود.^۱ البته باید توجه داشت که اگر افعالی را به روح بخاری منسوب می‌کنیم، صرفاً به سبب وساطت آن میان نفس و بدن است و هیچ گونه جنبه صدوری در روح بخاری وجود ندارد.

مبحث روح بخاری در دستگاه حکمت صدرایی، غنی‌تر از آنچه در گذشته بود، مطرح شده است. صدرالمتألهین در تبیین کیفیت ارتباط نفس و بدن، مانند سایر حکما، وجود روح بخاری را به عنوان یک اصل موضوع پذیرفته است؛ ولی بعد از اثبات شدن وجود بدن مثالی در حکمت متعالیه، کارکرد روح بخاری تغییر کرده و به عنوان واسطه بین بدن عنصری و بدن مثالی در نظر گرفته شده و بدن مثالی نیز که لطیف‌تر از روح بخاری است، به عنوان واسطه بین نفس مجرد و روح بخاری لحاظ شده است. بدین ترتیب اگرچه روح بخاری در حکمت متعالیه نسبت به حکمت مشاء و اشراق کارکرد و جایگاه ویژه‌ای یافته و در بسیاری از مسائل مانند سریان داشتن در تمام اعضای بدن و ارتباط مرتبه مادی با مجرد به عنوان اصل موضوعه پذیرفته شده است، ولی نباید چنین پنداشت که حذف یا ابطال آن خلل و نقصانی در اصل نظریه فلسفی صدرالمتألهین در نظام حکمت متعالیه ایجاد خواهد کرد؛ چرا که در مسئله کیفیت ارتباط نفس و بدن، صدرالمتألهین نیز وجود روح بخاری را به عنوان اصل موضوعه پذیرفته است. توضیح آنکه طبق مبنای حکمت متعالیه، سه مرحله برای نفس می‌توان ترسیم کرد که عبارت‌اند از مرحله جسمانیت، مرحله تجرد برزخی و مرحله تجرد عقلی. روح بخاری، ماهیت و هویتی جسمانی دارد و نمی‌تواند آن را موجودی مجرد دانست؛ بنابراین اگر بخواهیم جایگاهی برای روح بخاری در این سه مرحله وجودی نفس قائل شویم، مرحله جسمانیت نفس است، اما روح بخاری با توجه به نحوه تکوینش - که عبارت بود از خلاصه و زبدۀ اخلاط اربعه که از حرارت قلب ایجاد شده است - حتی در مرحله جسمانیت نفس نیز نمی‌توان مرتبه و جایگاهی برای آن در نظر گرفت؛ جز آنکه در انتهای مرحله جسمانیت و تجرد برزخی بتوان موطنی برای روح بخاری تصور کرد که واسطه بین مادی و مجرد محسوب گردد.

بر اساس حرکت جوهری و اشتداد وجودی، نفس^۲ مراحل وجودی را از جسم بودند تا مجرد بودن طی کرده است و در این سیر تکاملی وقتی به مرحله‌ای رسیده که به صورت روح بخاری تصور شده، قابلیت وساطت بین امر مجرد و امر مادی را دارا شده است. به این

۱. همو، المبدأ و المعاد، ص ۵۱۵.

ترتیب در حکمت متعالیه نیز روح بخاری به عنوان اصل موضوعه پذیرفته شده و به همین دلیل حذف یا ابطال آن خلل یا نقصی در اصل نظریه فلسفی در خصوص کیفیت و نحوه ارتباط نفس و بدن، در علم النفس فلسفی حکمت متعالیه وارد نخواهد کرد.


روح بخاری در علم پزشکی جدید

با توجه به پیشرفت‌ها و تحقیقات جدید در عرصه علم پزشکی جدید، بحث وجود روح بخاری در علم پزشکی جدید جایگاهی ندارد. اما ابطال نظریه روح بخاری در علم پزشکی جدید خللی به تحلیل فیلسوفان اسلامی در زمینه ارتباط بین مجرد و مادی وارد نمی‌کند. آنچه برای فیلسوفان اسلامی به عنوان یک اصل انکار ناپذیر مورد پذیرش واقع شده است، و مقتضی برهان است، ضرورت وجود واسطه میان نفس و بدن می‌باشد. همان طور که بیان گردید فیلسوفان اسلامی وجود روح بخاری را به عنوان یک مصداق برای واسطه بین مجرد و مادی از طب قدیم اقتباس کرده اند.

در تحقیقات جدید در علم پزشکی جدید از سوی برخی از محققین اسلامی، از انرژی موجود در عروق خون و امواج الکتریکی موجود در بدن، به عنوان بدیل روح بخاری ذکر شده است؛ که می‌توان از آنها به عنوان مصداقی که واسطه بین مجرد و مادی قرار گیرد، جایگزین روح بخاری شود... (میری، ۱۳۹۳، ص ۹۵-۹۴) بنابراین تعیین مصداق برای واسطه بین مجرد و مادی که از علوم دیگر اخذ می‌شود، برای فیلسوف اهمیت چندانی ندارد که چه مصداقی باشد؛ خواه این مصداق روح بخاری باشد، و یا انرژی موجود در خون باشد و یا امواج الکتریکی در بدن.

نتیجه‌گیری

با توجه به آن که نفس و بدن از دو ماهیت متقابل یکدیگر هستند و هیچ گونه سنخیتی، میان دو امری که از لحاظ ماهیت متقابل یکدیگر هستند وجود ندارد؛ حکمای اسلامی در نحوه تعلق گرفتن نفس به بدن، قائل به وساطت و واسطه در علم النفس فلسفی شده اند. آنچه در فلسفه به طور قطع و یقین می‌توان اثبات کرد وجود واسطه میان مجرد و مادی است؛ اما تعیین مصداق و صغرای قضیه اولاً و بالذات در قلمرو فلسفه نیست، بلکه فلسفه آن مصداق را به عنوان اصل موضوعه از علوم دیگر اخذ می‌کند؛ هر سه فیلسوف اسلامی (ابن سینا، شیخ اشراق، صدرالمتالهین) کلیات مباحث روح بخاری و اصل وساطت آن را میان مجرد و مادی پذیرفته‌اند؛ حاصل آنکه فیلسوفان اسلامی روح بخاری را به

نقش و جایگاه روح بخاری در ارتباط نفس و بدن در علم النفس فلسفی  ۹۳

عنوان مصداق و اصل موضوعه از طب قدیم اخذ کرده‌اند؛ و لذا حذف و ابطال روح بخاری نقص و خللی در اصل نظریه فلسفی «ضرورت وجود وساطت بین مجرد و مادی» وارد نخواهد کرد.

منابع

۱. ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله، المبدأ و المعاد، تحقیق عبدالله نورانی، تهران، ۱۳۶۳.
۲. _____، رساله الادویة القلیبة، (شماره یک) تحقیق سعید زاید، قم، مکتبه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۴.
۳. _____، شفا، (شماره دو) تحقیق سعید زاید، قم، مکتبه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۴.
۴. افتخاری، مهدی، تأملاتی در جسمانی بودن حدوث نفس، قم، آیت اشراق، ۱۳۸۸.
۵. انصاری شیرازی، یحیی، دروس شرح منظومه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۶. حسن زاده آملی، حسن، شرح العیون فی شرح العیون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
۷. _____، هزار و یک کلمه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۸. سبزواری، ملاهادی، تعلیقه بر اسفار، بیروت، دار الحیاء التراث، ۱۹۸۱.
۹. سهروردی، شهاب الدین، مجموعه مصنفات، تصحیح و مقدمه سیدحسین نصر، تهران، انجمن حکمت فلسفه، ۱۳۵۵.
۱۰. _____، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، تصحیح و مقدمه هانری کربن و سید حسین نصر، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۵.
۱۱. شاهرخی، احمدرضا، «ارتباط نفس مجرد و بدن در فلسفه اسلامی»، فصلنامه فلسفی و کلامی حوزه، شماره سیزده، ۱۳۸۹.
۱۲. شهرزوری، شمس الدین، شرح حکمت اشراق، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.
۱۳. صمدی آملی، داوود، شرح مراتب طهارت، قم، نور السجاد، ۱۳۸۵.
۱۴. عبودیت، عبدالرسول، درآمدی به نظام حکمت صدرایی، تهران، مرکز تحقیق و توسعه علم انسانی، ۱۳۹۱.
۱۵. ملاصدرا، محمد شیرازی، المبدأ و المعاد، قم، مرکز انتشارات فرهنگی، ۱۳۶۲.
۱۶. _____، الحکمة المتعالیه، بیروت، دار الحیاء التراث، ۱۹۸۱.
۱۷. میری، محمد، «روح بخاری در فلسفه اسلامی و در حکمت معاصر»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره سوم، ۱۳۹۳.
۱۸. کرجی، علی، اصطلاحات فلسفی و تفاوت آن‌ها با یکدیگر، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.